

پیش بینی سطح تعهد سازمانی بر اساس کارآفرینی و مؤلفه های آن

دکتر فتاح ناظم*، کورش پارسا معین**

چکیده: بررسی ارتباط کارآفرینی با تعهد سازمانی هدف اساسی این مطالعه بود. بر مبنای مفروضات تحقیقات همبستگی با اجرای دو مقیاس اندازه گیری کارآفرینی (محقق ساخته) و تعهد سازمانی آلن و مایر بر روی نمونه منتخب (N=146) از جامعه کارکنان غیرعضو هیأت علمی رسمی و قراردادی بخش های اداری- خدماتی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن در سال 1389 با روش تصادفی ساده اطلاعات لازم جمع آوری شد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که به طور کلی بین کارآفرینی و مؤلفه های تعهدسازمانی همبستگی معنادار وجود دارد.

کلیدواژه ها: کارآفرینی، تعهد سازمانی.

مقدمه

کارآیی و اثربخشی هر سازمان تا حد قابل ملاحظه ای به کیفیت مدیریت و کاربرد صحیح و اثربخش منابع بستگی دارد. طبیعی است هر قدر سازمان و مؤسسات وسیع تر، گسترده تر و متنوع تر باشند، به مشکلات و اهمیت اداره این نیروی عظیم افزوده می شود. از این رو، مجهز شدن مدیران به دانش و بینش لازم جهت رویارویی و حل مشکلات این عامل پیچیده و حساس ضرورت پیدا می کند (میرسپاسی، 1365).

با این که نگرش علمی نسبت به پدیده های سازمان کار و نیروی انسانی تاریخچه ای چندان طولانی ندارد، اما ریشه های اصلی این نوع نگرش ها به گذشته های دور برمی گردد. می توان اظهار داشت که از زمانی که انسان به صورت گروهی و دسته جمعی در جهت دستیابی به هدف یا اهدافی مشترک زندگی را ادامه داد، موضوع مدیریت منابع انسانی و سایر زمینه های

* دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
** کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن

مربوط مطرح شده است. از ده‌ها قرن پیش، افرادی که رهبری و هدایت گروه‌ها و دسته‌ها را بر عهده داشته‌اند، با مسائلی نظیر یافتن نیروی انسانی، آموزش، حقوق و دستمزد، تغذیه و حتی انگیزش روبه‌رو بوده‌اند. با این حال، گسترش روزافزون سازمان‌ها، به ویژه سازمان‌های نظامی، تولیدی، و اجتماع گروه‌های بی‌شماری از انسان در یک محیط کاری در جهت تولید انبوه، مشکل مدیریت عامل انسانی را چند برابر کرده است.

البته روان‌شناسان صنعتی - سازمانی تنها متخصصانی نیستند که رفتار انسان در محیط کاری را مطالعه می‌کنند. پژوهشگران در حوزه مدیریت، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، روابط سازمانی، اقتصاد و چند رشته دیگر از علوم اجتماعی در مطالعه و درک کارکنان و سازمان سهمیم‌اند. بنابراین، به منظور دستیابی به درک بهتر دنیای کار و رفتار انسان در محیط کار باید به طور همزمان از چند رشته علمی مدد جست.

شواهد نشان می‌دهد که در عصر حاضر، مشاغل و سازمان‌ها به سرعت در حال تغییر و تکامل‌اند. بسیاری از مشاغل به دلیل پیشرفت‌ها در فناوری، بسیار پیچیده شده‌اند و در نتیجه کارگران و کارکنان باید در تصمیم‌گیری به اطلاعات بیشتری دسترسی داشته و آن‌ها را پردازش کنند (وانز¹ و وایسوسواران²، 1998). علاوه بر این، با پیشرفت‌های فناوری نظیر روبات‌ها و استفاده از کامپیوتر در تولید، سازمان‌ها به دنبال کاهش نیروی کار خود هستند و از این راهبرد به منظور افزایش کارآیی، بهره‌وری و یا توان رقابت در دنیای کار استفاده می‌کنند (فریمن³ و کامرون⁴، 1993). بنابراین، روان‌شناسان صنعتی - سازمانی می‌توانند به کارکنان کمک کنند تا با تغییرات فناوری و ساختاری در محیط کار سازگار شوند (کرایگر⁵، 1997). علاوه بر این، روان‌شناسان صنعتی و سازمانی در طراحی مشاغل به منظور افزایش کارآیی، ایجاد ساختارها و گروه‌های کاری نو، انعطاف‌پذیرتر و کمک به کارکنان در کنار آمدن با فشارهای حاصل از همه این تغییرات، نقش خواهند داشت.

بیان مسأله

تعهدسازمانی یکی از رایج‌ترین و معروف‌ترین سازه‌ها در ادبیات روان‌شناسی صنعتی و سازمانی،

1. Ones
2. Viswesvaran
3. Freeman
4. Cameron
5. Criger

مدیریت و رفتار سازمانی در غرب به شمار می آید. طی سه دهه اخیر، مفهوم تعهد سازمانی، مبحث مهم و مورد علاقه محققان بوده است. مفهوم تعهد سازمانی از آنجا اهمیت می یابد که عوامل ریشه گرفته از سطح تعهد کارکنان سازمان، بر سازمان ها به صورت یک جزء، و بر جامعه به عنوان یک کل، اثرات عمده و مهمی دارد. برای تعیین پیش آیندها و پی آمدهای مختلف تعهدسازمانی، که از روابط مثبت و منفی این متغیرها با سازه تعهد ناشی می شود، وقت و تلاش بسیار زیادی صرف شده است. تعهد کارکنان، به ویژه تعهدسازمانی، زمینه ای امید بخش از پژوهش در حوزه روان شناسی صنعتی و سازمانی، و مدیریت است. بررسی ها نشان می دهد که تا حد زیادی علاقه به مطالعه تعهد با تأکید اولیه به رضایت شغلی همراه بوده است (اشنایدر¹، 1985). با این حال، پژوهشگران حوزه تعهد سازمانی بیشتر توجه خود را به موضوع شناسایی پیش بینی کننده های آن معطوف داشته اند. در این مطالعه هدف اساسی بررسی نقش کارآفرینی در تبیین واریانس تعهد سازمانی بوده است.

مفهوم تعهدسازمانی، مانند سایر مفاهیم مرتبط با رفتار سازمانی، به ویژه رضایت شغلی توجه قابل ملاحظه ای از سوی روان شناسان صنعتی و سازمانی، متخصصان مدیریت دریافت کرده است. این پدیده به صورت های مختلف تعریف و مفهوم سازی شده است؛ پژوهشگران بر این نکته توافق دارند که تعهد می تواند اشکال مختلف داشته باشد و از این رو، سازه ای پیچیده است (می یر، آلن² و اسمیت³، 1993). به طور کلی، تعهد سازمانی به عنوان شاخص سودمندی از اثربخشی سازمانی در نظر گرفته می شود (استیرز⁴، 1977). به طور خاص، تعهدسازمانی، سازه ای چند بعدی است که توان پیش بینی بازده های سازمانی نظیر عملکرد، ترک خدمت، غیبت، و اهداف سازمانی را دارد (می یر و آلن، 1997).

می یر و آلن (1997) در پی یکپارچه کردن تعاریف مختلف تعهدسازمانی، مدلی سه مؤلفه ای ارائه کرده اند. طبق عقیده این مؤلفان، پژوهش اولیه نشان می دهد که سه مجموعه ذهنی وجود دارد که می توان تعهد سازمانی کارکنان را براساس آنها مشخص کرد (می یر و آلن، 1997). تعهد عاطفی⁵ که به عنوان دلبستگی عاطفی کارکنان به سازمان تعریف می شود در

-
1. Schneider
 2. Meyer & Allen
 3. Smith
 4. Steers
 5. affective

تعهد مستمر¹ کارکنان به این دلیل نسبت به سازمان خود تعهد احساس می‌کنند که در غیر این صورت ضررهای فراوانی را در قبال جدایی از سازمان متحمل خواهند شد، از جمله زیان‌های مالی و هزینه‌های اجتماعی و تعهد هنجاری که بیانگر احساس تعهد به تداوم همکاری با سازمان است. کارکنان دارای سطح بالایی از تعهد هنجاری، این احساس را دارند که آنان مجبورند همکاری با سازمان را ادامه دهند زیرا فرصت دیگری برای رفتن به سازمانی دیگر را ندارند.

مطابق پژوهش‌های انجام شده، کارکنانی که تعهدسازمانی بالایی را نشان می‌دهند: (1) در کارشان شادمان‌تر هستند، (2) وقت کمتری را با کارهای غیرمرتبط با شغل‌شان صرف می‌کنند، و (3) کمتر احتمال دارد که سازمان خود را ترک کنند (رابینسون²، پورپورینو³ و سایمورد⁴، 1992). هم‌چنین مارچ⁵ و سیمون⁶ (1985؛ نقل از آوامله⁷، 1996) و استیرز⁸ (1977) نشان می‌دهند که افراد دارای تعهدسازمانی بالا عموماً رفتارهای خاصی نظیر حضور مرتب در سرکار، تغییر کمتر شغل، درگیری شغلی بالاتر و تلاش‌های فزاینده مرتبط با شغل از خود نشان می‌دهند.

بسیاری از تحقیقات انجام شده تاکنون از آن جهت بر تعهد تمرکز داشته‌اند که این عامل با پیآمدهای منفی جدی، منجمله اختلال در عملکرد و تقاضا برای ترک شغل و تغییر آن مرتبط بوده است. بسیاری از تحقیقات انجام شده در زمینه تعهد، از رویکرد رفتار سازمانی⁹ پیروی کرده‌اند. ماودی¹⁰، پورتر¹¹ و استیرز (1982)، تعهد سازمانی را با دید رفتاری و نگرشی بررسی نموده‌اند. در این دید، نگرش‌ها، که به نظر می‌رسند راه انداز تکامل اخلاقی هستند، شامل هویت سازمانی، میزان تعامل در کار سازمان، توجه عاطفی گرم نسبت به سازمان یا وفاداری به آن، و رفتارها شامل اشتیاق به تلاش بیشتر در سازمان، و تمایل و شوق به باقی ماندن در سازمان هستند. هدف اکثر تحقیقات انجام شده در زمینه تعهدسازمانی، برقراری یک حلقه ارتباطی میان این عامل و مسئله انتقال کارکنان به سازمان‌ها و مؤسسات دیگر است،

1. Continuance

3. Porporino

5. March

7. Awamleh

9. organizational behavior approach

11. Porte

2. Robinson

4. Simourd

6. Simon

8. Steers

10. Mowday

ارتباطی که حمایت تجربی بسیاری را نیز به خود جلب کرده است (آلن و می، 1990؛ ماتيو و زاجاک¹، 1990).

با توجه به مطالب فوق و همان طور که پیشتر اشاره شد هدف کلی از انجام این تحقیق، بررسی ارتباط بین کارآفرینی و تعهدسازمانی کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن است. در نتیجه سؤال اصلی تحقیق این است که: آیا بین کارآفرینی و تعهدسازمانی رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

طبق اظهارات می و آلن (1997) صدها تحقیق به منظور تحلیل رابطه بین تعهد عاطفی به سازمان و متغیرهای پیش بینی کننده و توجیه کننده تعهدسازمانی صورت گرفته است. هم چنین، این مؤلفان گزارش می کنند که پیش بینی کننده های تعهدسازمانی عاطفی به طور کلی در سه مقوله جدا جای می گیرند: (الف) ویژگی های سازمانی، (ب) ویژگی های شخصی، و (پ) تجربه های کاری. ویژگی های سازمانی شامل خصوصیات نظیر اندازه سازمان، میزان آزادی عمل کارکنان و تمرکززدایی² است. خصوصیات شخصی مشتمل بر جنس، سن، و وضعیت استخدامی است، و سرانجام، تجربه های کاری عواملی نظیر حمایت و هماهنگی سازمان را دربر می گیرد. بیشتر تحقیقات مرتبط با تعهد سازمانی در جهت کشف و شناسایی پیش بینی کننده ها و بازده های تعهد سازمانی هدایت شده اند.

یافته مهم (مارو، 1983) در خصوص تعهد سازمانی این است که این پدیده صفتی پایدار یا خصوصیتی ثابت در طول زندگی فرد نیست. بر همین اساس، تعهد حاصل عوامل سازمانی مهمی است که توجه به آنها سودمند است. مارو پس از مرور ادبیات مربوط به تعهدسازمانی به این نتیجه دست یافت که تعهد، تابعی است از ویژگی های شخصی و عوامل موقعیتی مرتبط با محیط کار. ویژگی های شخصی مشتمل بر عواملی نظیر سن، سابقه کار، و سطح تحصیلات هستند، حال آن که عوامل موقعیتی زمینه هایی نظیر تعارض نقش، ابهام نقش، و فضای سازمانی را در بر می گیرد. مطابق گزارش های اولیه ارایه شده، عوامل موقعیتی بیش از عوامل شخصی در تبیین واریانس تعهد سازمانی نقش دارند. تلویحات چنین یافته ای این است که تعهد، بیشتر تحت تأثیر عوامل مرتبط با سازمان است.

1. Mathiew & Zajac
2. Decentralization

3. Tamosaitis

نکته جالب توجه این است که تعداد تحقیقاتی که به بررسی ارتباط میان تعهد سازمانی و عملکرد کارکنان بپردازند بسیار اندک بوده است (آن و می، 1990؛ تاموسایتیس²، 2006؛

چو¹، 2003). قسمتی از این مسئله از این حقیقت ناشی می شود که تحقیقات اندک اولیه در نشان دادن ارتباط قوی میان تعهدسازمانی و عملکرد ناکام مانده اند. در حقیقت، در یک تحقیق فراتحلیل تنها وجود یک ارتباط ضعیف ($r=0/051$) را میان تعهدسازمانی و شاخص‌های عملکردی فرد نشان داده اند (ماتیو و زاجاک، 1990). صباغیان راد (1384) در پژوهش خود دریافت که بین تعهد عاطفی و فراوانی فرسودگی عاطفی و همچنین تعهد عاطفی و شدت تهی شدگی از ویژگی‌های شخصی تفاوت معنادار وجود دارد. لیتر² (1998) در پژوهش خود پی برد که خستگی زیاد در محیط‌های کاری باعث کاهش تعهد سازمانی می شود که مربوط به جنبه‌های ارتباطی محیط سازمانی است. نتایج پژوهش وی در مورد نظریه‌های جامع سازگاری روانی محیط کاری است. معلوم شده است که تعهد بر دیگر متغیرهای کاری مانند رفتارهای کاری خاص افراد تأثیرگذار است. اداره و کنترل تعهد سازمانی به آن دلیل مهم است که می‌تواند بر مسایل و مشکلاتی مانند ترک شغل و غیبت از کار تأثیر گذارده و عملکرد سازمانی را بهبود بخشد. بدترین تأثیر تحلیل رفتگی در سطح سازمانی، تخریب و زایل نمودن تعهد سازمانی در میان کارمندان و حرفه‌ای‌های کار است.

پژوهش‌های مرتبط با تعهد کارکنان بسیار نویدبخش هستند. تت³ و می³ (1989) با مرور حجم بزرگی از مطالعات که بر رابطه بین تعهد کارکنان و برخی از بازده‌های سازمانی متمرکز بودند یافتند که روابط بین تعهد کارکنان و رضایت شغلی و ترک خدمت قوی است. علاوه بر این، این پدیده با بهره‌وری، حضور در کار، بازنشستگی، میزان مشارکت، سخت‌گیری در محیط کار، و جدایی روان شناختی از کار مرتبط است. تحلیل گران، همچنین توجه قابل ملاحظه‌ای اغلب با دستکاری مستقیم، برای شناسایی پیشایندهای تعهدسازمانی داشته‌اند (لوهر⁴، نوئی⁵، مولر⁶، و فیتزجرالد⁷، 1985، نقل از کمپ⁸، 1993). در واقع، در اکثر پژوهش‌ها، تعهدسازمانی به عنوان متغیر وابسته مد نظر بوده است.

1. Chuo
2. Lieter
3. Tett
4. Loher
5. Noe
6. Moeller
7. Fitzgerald

2. Lieter
4. Loher
6. Moeller
8. Camp

استیرز (1977) با بررسی رابطه بین تعهد سازمانی و چهار ویژگی اصلی شغلی (آزادی عمل، تنوع، پسخوراند و ماهیت) با استفاده از تحلیل رگرسیون نشان داد که همه این 4 ویژگی با تعهد سازمانی همبستگی معنی دار دارند. هر چند، وقتی هر یک از آنها به طور جداگانه وارد مدل شدند، تنها مؤلفه هویت تکلیف با تعهد سازمانی همبستگی معنادار نشان داد. به همین ترتیب، بوئیان و اسلام (1996) یافتند که تنوع شغل به طور معناداری بر تعهدسازمانی کارکنان خارجی شاغل در عربستان سعودی مؤثر است. حال آن که، آزادی عمل، هویت تکلیف و پسخوراند با تعهدسازمانی رابطه معنی دار نشان ندادند. جالب این که کولبرت و کوآن (2000) نیز نشان دادند که بین تعهدسازمانی و تنوع شغل و پسخوراند همبستگی قوی وجود دارد. همچنین، شواهد دیگر حاکی از این است که به طور کلی بین متغیرهای مرتبط با محیط کار و تعهدسازمانی و درگیری شغلی همبستگی معنادار وجود دارد (وینتر¹ و ساروس²، 2002؛ میرهاشمی، 1386).

مارو³ (1983) بر این باور است که تعهد سازمانی در طول زندگی فرد ثبات و پایداری ندارد. بدین سان، تعهد سازمانی حاصل عوامل سازمانی مهمی است که بررسی و توجه به آنها می تواند نتایج سودمندی به دنبال داشته باشد. مرور ادبیات مربوط به تعهد سازمانی نشان می دهد که تعهد، تابعی است از ویژگی های شخصی و عوامل موقعیتی مرتبط با کار. روابطی که ممکن است بین عوامل شخصی و سازمانی مختلف و تعهد سازمانی وجود داشته باشد در مطالعات بسیاری بررسی شده است (ساوری⁴ و سایم⁵، 1996).

آوامله (1996) در مطالعه خود روی گروهی از مدیران سازمانها در کشور اردن گزارش می کند که «مدیران در تعیین عوامل مؤثر در ارتقاء تعهد سازمانی، متغیرهای انگیزش، برقراری معیارهای عادلانه، بهبود فضای سازمانی، امنیت و ثبات شغلی را در اولویت قرار دادند. میانگین این مؤلفهها در یک مقیاس 5 نقطه ای بین 3/54 تا 3/94 بود» (ص 71). همچنین، وی گزارش می کند که بین تعهد سازمانی و اندازه سازمان همبستگی ضعیفی وجود دارد. البته، نتایج سامر⁶، بای⁷ و لوتنز⁸ (1996) حاکی از این است که اندازه و نوع سازمان می تواند در تعهد کارکنان مؤثر باشد. بدینسان که کارکنان در سازمان های بزرگ سطوح تعهد کمتری

1. Winter
3. Morrow
5. Syme
7. Bae

2. Sarros
4. Sawry
6. Sommer
8. Luthens

نشان می‌دهند. آنان دلیل احتمالی این رابطه را به امکان تعامل و درگیری کمتر کارکنان در سازمان‌های بزرگ نسبت می‌دهند. هر چند، در گزارش فراتحلیل (متیو و زایاک، 1990) چنین یافته‌ای تأیید نشده است. تقریباً هیچ رابطه‌ای بین اندازه سازمان و تعهدسازمانی در این فراتحلیل گزارش نشده است. همچنین، کولبرت¹ و کوآن² (2000) تأیید می‌کنند که تقریباً هیچ رابطه‌ای بین اندازه سازمان و سطح تعهد سازمانی وجود ندارد.

در دهه 1950، غرب شاهد تأثیرات عمیق اقتصادی کارآفرینی³ (مینیتی⁴ و بایگراو⁵، 2004؛ کوراتکو⁶، 2005؛ وینیکرز⁷ و ثوریک⁷، 1999؛ پارکر⁷، 2004) و شکل‌گیری یک موج علمی با هدف شناخت و پرورش آن بود (مک مولان⁸ و گیلین⁹، 2001؛ کاتز⁹، 2003؛ کوراتکو، 2005؛ ادواردز¹⁰ و مویر¹¹، 2005). برای نمونه، در 1970 چند دانشگاه در ایالات متحده دوره‌های آموزش کارآفرینی برگزار کردند، اما در اوایل دهه 1980 بیش از 300 دانشگاه موضوع کارآفرینی را از منظر آموزش و تحقیق مد نظر قرار دادند. از همان زمان اولین مطالعات و تحقیقات بنیادی و هدف دار در مورد کارآفرینی آغاز گردید. امروزه این موج با گذشت نیم قرن از حرکت آن از دریای بیکران کارآفرینی، دستاوردهایی گران به ساحل دانش هدیه کرده است. البته علی‌رغم تحقیقات و مطالعات فراوان روان‌شناسان و متخصصان در طول این مدت، هنوز هم ماهیت واقعی کارآفرینی انسان به طور کامل شناخته نشده است و آنچه تاکنون به دست آمده نیز توأم با برخی اختلاف نظرهایست. کارآفرینی شامل جستجوی فرصت و سپس جستجوی منابع مورد نیاز است. بنابر این سطح ناکافی فعالیت کارآفرینانه اغلب انعکاس دهنده عرضه ناکافی فرصت‌های مشاهده شده به وسیله اعضای سازمان است. سازمان‌هایی که امید به رشد دارند، باید بفهمند که چطور فرصت‌ها ظهور و بروز پیدا می‌کنند (مقیمی، 1383؛ احمدپورداریانی، 1378). در این مطالعه، براساس هدف و سؤال اساسی فرضیه‌های مطرح شده در این تحقیق نیز عبارت اند از:

فرضیه اول: بر اساس مؤلفه‌های کارآفرینی می‌توان سطح مؤلفه تعهد عاطفی کارکنان را پیش بینی کرد.

1. Colbert
3. enterprenurship
5. Bygrave
7. Wennekers
9. Parker
11. Gillin
13. Edwards

2. Kwon
4. Minniti
6. Kuratko
8. Thurik
10. McMullan
12. Katz
14. Muir

فرضیه دوم: بر اساس مؤلفه های کارآفرینی می توان سطح مؤلفه تعهد مستمر کارکنان را پیش بینی کرد.

فرضیه سوم: بر اساس مؤلفه های کارآفرینی می توان سطح مؤلفه تعهد هنجاری کارکنان را پیش بینی کرد.

روش تحقیق

این تحقیق بر مبنای مفروضات تحقیقات همبستگی انجام شده است که طی آن ارتباط متغیر کارآفرینی با تعهد سازمانی کارکنان سنجیده شد.

جامعه تحقیق، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری عبارت بود از کلیه کارکنان غیر عضو هیأت علمی رسمی و قراردادی بخش های اداری- خدماتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن در سال 1389. با توجه امکان دسترسی به فهرست اسامی جامعه مورد مطالعه، با نمونه گیری تصادفی ساده نمونه مورد نیاز انتخاب شد. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش بینی در تحلیل رگرسیون بنا به توصیه محققان (بریس¹، کمپ² و سنلگار³ بی تا 1388) حداقل حجم نمونه در بالاترین میزان متغیرهای وارد شده در مدل برابر تعداد متغیرهای پیش بین (13 متغیر کارآفرینی) به اضافه 104 و با در نظر گرفتن احتمال ریزش آزمودنی ها حداقل حجم نمونه 150 نفر پیش بینی شد. در نهایت با کنار گذاشتن پرسشنامه های مخدوش و ناقص، داده های 146 پرسشنامه استخراج و تحلیل شد.

ابزار اندازه گیری

در این مطالعه بر اساس نوع متغیرهای مورد نظر، به منظور سنجش و اندازه گیری آن ها از دو مقیاس به شرح زیر استفاده شد:

1. پرسشنامه کارآفرینی

پس از مرور ادبیات مرتبط با کارآفرینی به ویژه در زمینه ابعاد و مؤلفه های آن و اقتباس از برخی از مقیاس های موجود مقیاسی با 58 عبارت که 13 مؤلفه را اندازه گیری می کند تهیه

1. Brace
2. Kemp
3. Snelgar

شد. روایی محتوایی آن با نظرخواهی از گروهی از متخصصان به تایید رسید. همچنین، با استفاده از روش همسانی درونی بین سوال‌ها (آلفای کرونباخ) ضریب اعتبار کل این پرسشنامه 0/849 در یک نمونه 49 نفری که به طور تصادفی انتخاب شدند، به دست آمد.

2. پرسشنامه تعهد سازمانی آلن و مایر

در این مطالعه با استفاده از روش همسانی درونی بین سؤال‌ها (آلفای کرونباخ) ضریب اعتبار کل این پرسشنامه 0/709 در یک نمونه 49 نفری که به طور تصادفی انتخاب شدند، به دست آمد. در خصوص سه مولفه آن نیز ضرایب اعتبار مربوط به مؤلفه تعهد عاطفی، تعهد مستمر، و تعهد هنجاری به ترتیب 0/451، 0/820، و 0/455 به دست آمد.

یافته‌ها

با توجه به متغیرهای مورد مطالعه و داده‌های حاصل از اندازه‌گیری آنها، به منظور توصیف داده‌ها از روش‌های مناسب آمار توصیفی نظیر فراوانی، درصد، شاخص‌های گرایش مرکزی، پراکندگی و توزیع استفاده شد. در نهایت برای پاسخ دادن به فرضیه‌های تحقیق با در نظر گرفتن نوع داده‌ها، تحلیل رگرسیون گام به گام به کار گرفته شد.

جدول 1: خلاصه شاخص‌های آماری مربوط به نمره‌های آزمودنی‌ها در آزمون‌های کارآفرینی و تعهد سازمانی (و مولفه‌های آن‌ها) (N=146)

متغیرها	میانگین	انحراف معیار
نیاز پیشرفت	3/79	0/732
استقلال	3/29	0/590
خطرپذیری	3/68	0/651
خلاقیت	3/41	0/545
مدیریت زمان	3/59	0/599
پشتکار	3/85	0/890
هدف‌مداری	3/87	0/695
رقابت‌جویی	3/66	0/788
اعتماد به نفس	3/82	0/706
منبع کنترل درونی	2/79	0/531
انتقادی‌پذیری	3/82	0/762
واقع‌گرایی	3/51	0/576

0/605	3/53	با انرژی بودن
0/706	3/63	تعهد عاطفی
0/779	3/677	تعهد مستمر
0/699	3/54	تعهد هنجاری

براساس اطلاعات جدول بالا درخصوص توزیع نمره های آزمودنی های مورد مطالعه در آزمون های کارآفرینی و تعهد سازمانی و مؤلفه های آن ها شاخص های مختلف توصیفی اعم از میانگین، انحراف معیار، شاخص های کجی و کشیدگی و دامنه آن ها نشان می دهد که توزیع نمره های گروه نمونه به توزیع نرمال میل دارد.

برای آزمون فرضیه اول تحقیق مبنی بر این که: براساس مؤلفه های کارآفرینی (13 مؤلفه: نیاز پیشرفت، استقلال، خطرپذیری، مدیریت زمان، پشتکار، هدف مداری، رقابت جویی، اعتماد به نفس، منبع کنترل درونی، انتقادپذیری، واقع گرایی، با انرژی بودن) می توان سطوح مؤلفه های تعهد سازمانی (3 مؤلفه: تعهد عاطفی، تعهد مستمر و تعهد هنجاری را پیش بینی کرد و با توجه به تعداد و نوع متغیرهای پیش بین، مؤلفه های کارآفرینی (کمی) و مؤلفه های تعهد سازمانی (کمی) از روش تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. شرح تفصیلی محاسبات آماری مربوط به هر کدام از سه مؤلفه تعهد سازمانی به طور جداگانه در زیر ارائه شده است.

جدول 2: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی تعهد عاطفی کارکنان براساس مؤلفه های کارآفرینی (فرضیه اول)

Sig	t	متغیر وابسته: تعهد عاطفی		پیش بینی کننده ها
		ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده	
0/005	2/868**	-	0/754	عدد ثابت
0/005	2/852**	0/264	0/286	خطرپذیری
0/001	3/391**	0/293	0/262	رقابت جویی
0/012	2/535*	0/226	0/225	اعتماد به نفس

$$R=0/690; R^2=0/476; \text{ تعدیل شده}; R^2 = 0/465; F=42/962**$$

** معنادار در سطح 0/01؛ * معنادار در سطح 0/05

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، طبق مناسب ترین مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون گام به گام بعد از حذف متغیرهای نیاز به پیشرفت، استقلال، مدیریت زمان، پشتکار،

هدف مداری، منبع کنترل درونی، انتقادپذیری، واقع گرایی و بالانرژی بودن که همبستگی معنادار با تعهد عاطفی نداشتند مقدار R^2 (0/476) بدین معنی است که 47/6 درصد از واریانس متغیر تعهد عاطفی توسط متغیرهای پیش بین تبیین می شود. مقدار R مشاهده شده (0/690) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر به خوبی می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (42/962) در سطح اطمینان حداقل 99 درصد معنادار است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد عاطفی همبستگی معنادار وجود دارد. با این حال، با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می توان قضاوت کرد که از بین همه متغیرها تنها متغیرهای خطرپذیری، رقابت جویی و اعتماد به نفس با متغیر تعهد عاطفی همبستگی معنادار دارند. با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را براساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده (ستون بتا) به صورت زیر تدوین کرد :

$$Y = 0/754 + 0/264 (\text{خطرپذیری}) + 0/293 (\text{رقابت جویی}) + 0/226 (\text{اعتماد به نفس})$$

(تعهدعاطفی)

جدول 3: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی تعهد مستمر کارکنان براساس مؤلفه های کارآفرینی (فرضیه دوم)

Sig	t	متغیر وابسته: تعهد		پیش بینی کننده ها
		مستمر	ضرایب استاندارد نشده	
0/096	1/675	-	0/505	عدد ثابت
0/000	4/252**	0/379	0/453	خطرپذیری
0/005	2/834**	0/232	0/230	رقابت جویی
0/001	3/377**	0/312	0/345	اعتمادبه نفس
0/028	2/220**	0/167	0/215	با انرژی بودن

$$R=0/728; R^2=0/530; \text{ تعدیل شده}; R^2 = 0/517; F=39/815**$$

** معنادار در سطح 0/01؛ * معنادار در سطح 0/05

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، طبق مناسب ترین مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون گام به گام بعد از حذف متغیرهای نیاز پیشرفت، استقلال، مدیریت زمان، پشتکار،

هدف مداری، منبع کنترل درونی، انتقادپذیری و واقع گرایی که همبستگی معنادار با تعهد مستمر نداشتند مقدار R^2 (0/530) بدین معنی است که 53 درصد از واریانس متغیر تعهد مستمر توسط متغیرهای پیش بین تبیین می شود. مقدار R مشاهده شده (0/728) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر به خوبی می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (39/815) در سطح اطمینان حداقل 99 درصد معنی دار است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد مستمر همبستگی معنادار وجود دارد. با این حال، با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می توان قضاوت کرد که از بین همه متغیرها تنها متغیرهای خطرپذیری، رقابت جویی، اعتمادبه نفس و با انرژی بودن با متغیر تعهد مستمر همبستگی معنادار دارند. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را براساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده (ستون بتا) به صورت زیر تدوین کرد:

$$(با انرژی بودن) 0/167 + (اعتمادبه نفس) 0/312 + (رقابت جویی) 0/232 + (خطرپذیری) 0/379 + = 0/505Y(تعهد مستمر)$$

جدول 4: خلاصه تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی تعهد هنجاری کارکنان براساس

مؤلفه های کارآفرینی (فرضیه سوم)

Sig	t	متغیر وابسته: تعهد		پیش بینی کننده ها
		هنجاری	ضرایب استاندارد نشده	
0/000	4/348**	-	1/929	عدد ثابت
0/000	4/373**	0/366	0/393	خطرپذیری
0/003	3/052**	0/264	0/234	رقابت جویی
0/008	-2/700**	-0/106	-0/245	منبع کنترل درونی

$$R=0/677؛ R^2=0/458؛ R^2=0/447؛ F=40/046**$$

** معنی دار در سطح 0/01

همان طور که در جدول بالا مشاهده می شود، طبق مناسب ترین مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون گام به گام بعد از حذف متغیرهای نیاز پیشرفت، استقلال، مدیریت زمان، پشتکار، هدف مداری، اعتماد به نفس، انتقادپذیری، واقع گرایی و با انرژی بودن که همبستگی معنادار با تعهد هنجاری نداشتند مقدار R^2 (0/458) بدین معنی است که 45/8 درصد از واریانس متغیر تعهد هنجاری توسط متغیرهای پیش بین تبیین می شود. مقدار R مشاهده شده (0/677) نیز نشان دهنده آن است که مدل رگرسیون خطی حاضر به خوبی می تواند برای پیش بینی استفاده شود. علاوه بر این، نسبت F محاسبه شده (40/046) در سطح اطمینان حداقل 99 درصد معنی دار است. بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد هنجاری همبستگی معنادار وجود دارد. با این حال، با مراجعه به آماره t و سطوح معناداری می توان قضاوت کرد که از بین همه متغیرها تنها متغیرهای خطرپذیری، رقابت جویی و منبع کنترل درونی با متغیر تعهد هنجاری همبستگی معنادار دارند. البته جهت همبستگی در ضریب مربوط به منبع کنترل درونی حاکی از منفی بودن رابطه بین این متغیر با متغیر تعهد هنجاری است. در نهایت، با توجه به این توضیحات و ضرایب به دست آمده می توان معادله رگرسیون را بر اساس ضرایب رگرسیون استاندارد شده (ستون بتا) به صورت زیر تدوین کرد:

$$Y = 1/929 + 0/366 (\text{خطرپذیری}) + 0/264 (\text{رقابت جویی}) - 0/106 (\text{منبع کنترل درونی})$$

بحث و نتیجه گیری

براساس یافته های این تحقیق در خصوص فرضیه اول، طبق مناسب ترین مدل به دست آمده از تحلیل رگرسیون گام به گام بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد عاطفی همبستگی معنادار به دست آمد. با این حال، نتایج نشان داد که از بین همه متغیرها تنها متغیرهای خطرپذیری، رقابت جویی و اعتماد به نفس با متغیر تعهد عاطفی همبستگی معنادار داشتند. بنابراین، شواهد برای تایید فرضیه اول کافی است.

در خصوص فرضیه دوم نیز نتایج نشان داد که بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد مستمر همبستگی معنادار وجود دارد. هرچند، از بین همه متغیرها 4 متغیر خطرپذیری، رقابت جویی، اعتماد به نفس و با انرژی بودن با متغیر تعهد مستمر همبستگی معنادار داشتند. در نتیجه، فرضیه دوم را نیز می توان پذیرفت.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام حاکی از رابطه معنادار بین متغیرهای مورد مطالعه و متغیر تعهد هنجاری بود. با این حال، از بین همه متغیرها تنها متغیرهای خطرپذیری، رقابت جویی و منبع کنترل درونی با متغیر تعهد هنجاری همبستگی معنادار داشتند. البته، جهت همبستگی در ضریب مربوط به منبع کنترل درونی حاکی از منفی بودن رابطه بین این متغیر با متغیر تعهد هنجاری بود. بنابراین، شواهد کافی برای رد فرضیه سوم وجود ندارد.

بسیاری از نظریه پردازان رفتار سازمانی بر این باورند که وجود هماهنگی مناسب بین شخص و سازمان از اهمیت خاصی برخوردار است. یک شاخص میزان هماهنگی و تناسب بر ایده قرارداد روان شناختی، هم ادراکی و هم فردی استوار است. ماهیت فردی قرارداد روان شناختی و اینکه این قرارداد بر ادراکها مبتنی است نه واقعیت‌های بیرونی، آن را از سایر اشکال قراردادهای متمایز می‌سازد. ماهیت مبهم و نانوشته قرارداد روان شناختی هر گونه ارزشیابی را درباره آن دشوار می‌کند. قرارداد روان شناختی مفهوم وفاداری و تعهد به سازمان را گسترش می‌دهد و منحصراً هم بر کارکنان و هم کارفرما تمرکز داشته و اساس هماهنگی و تناسب شخص - سازمان را تشکیل می‌دهد. هر چند، قرارداد روان شناختی باید در بافت فرهنگ سازمانی، که به نوبه خود بر تحقق فرایند این قرارداد اثر خواهد داشت، شکل بگیرد (میرهاشمی، 1386). روشن است که با در نظر گرفتن ماهیت متغیرهای تعهد سازمانی به نوعی نگرش سازمانی و کارآفرینی به عنوان مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیت فرض وجود رابطه بین آنها تایید می‌شود. بنابراین، شواهد از این فرض حمایت می‌کنند که افرادی که ویژگی‌های کارآفرینی را در خود دارند از تعهد سازمانی بالاتری برخوردار خواهند بود.

یافته‌های سایر مطالعات، به ویژه در زمینه نگرش‌های سازمانی که عمدتاً به عنوان متغیرهای ملاک یا وابسته بررسی شده اند حمایت می‌کنند؛ برای نمونه ساوری و سایم (1996) که تعهد سازمانی را تابعی از ویژگی‌های شخصی و عوامل موقعیتی مرتبط با کار می‌دانند. علاوه بر این، با توجه به نقش عوامل محیطی در کار نظیر آزادی عمل (استقلال) (وینتر و ساروس، 2002؛ استیز، 1977) و به طور کلی، عوامل مرتبط با محیط کار که همپوشی‌هایی با برخی ویژگی‌های کارآفرینی دارند نتایج به دست آمده مؤید یافته‌های این تحقیق است (برای نمونه، وینتر و ساروس، 2002؛ میرهاشمی، 1386).

در حمایت از یافته‌های این مطالعه همان طور که می‌دانیم عقیده فرد نسبت به این که رفتار وی تحت کنترل وقایع خارجی یا داخلی است را مرکز کنترل می‌نامند. بیشتر کارآفرینان

را دارای مرکز کنترل درونی توصیف نموده اند. حال آن که، افراد با مرکز کنترل بیرونی معتقدند که وقایع خارجی که خارج از کنترل آنها است، سرنوشت آنها را تعیین می‌کند. به عبارت دیگر، کارآفرینان موفق، به خود ایمان دارند و موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال و نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند. به عقیده آنها شکست‌ها و پیشرفت‌ها تحت کنترل و نفوذ آنها بوده و خود را در نتایج عملکردهایشان مؤثر می‌دانند. در نتیجه، با توجه به این ویژگی افراد کارآفرین می‌توان پیش بینی کرد که این گروه از تعهد سازمانی بالاتری نیز برخوردار باشند. همچنین، خطرپذیری مبنی بر پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌توانند از طریق تلاش‌های شخصی مهار شوند، از ویژگی‌های کارآفرینان به شمار می‌آید. مخاطره‌هایی که کارآفرینان در تأسیس و راه اندازی شرکت‌های خود می‌پذیرند، متفاوت هستند برای مثال آنها با سرمایه‌گذاری، مخاطره مالی را می‌پذیرند و با ترک شغل خود، مخاطره شغلی را پذیرا می‌شوند. مردم عادی، کارآفرین را عاشق مخاطره می‌دانند، در حالی که تحقیقات نشان می‌دهد که کارآفرین نوعاً چنین نیست. کارآفرین خواه زن باشد خواه مرد، شخصی است میانه‌رو، که حساب شده مخاطره می‌کند. او لزوماً در پی فعالیتی نیست که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل است مقدار متوسطی از مخاطره را که برای شروع فعالیت اقتصادی "معمولی" تلقی می‌شود، بپذیرد و در این حد حاضر می‌شود تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به مخاطره اندازد هرگز اینطور نیست که تصور شود کارآفرینان قمار می‌نمایند، بلکه در اقدام به مخاطره بسیار حساب شده و با دقت عمل کنند و تمام تلاش خود را به کار می‌بندند تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند.

براساس شواهد به دست آمده فرد کارآفرین نیاز به سازمانی دارد که برای موفقیت دراز مدت، از کارآفرینی حمایت کرده و آن را تقویت کند. کارآفرینان مجبور هستند تا موفقیت را در میان افرادی بیابند که حاضر نیستند به آنها کمک کنند یا واقعاً نمی‌خواهند موفقیت آنان را شاهد باشند. بنابراین، کارآفرینان سازمانی، افرادی هستند که اغلب در فعالیت‌های کارآفرینی سازمان‌ها و بدون حمایت سازمان‌شان درگیر هستند (مقیم، 1383). البته این فقدان حمایت، موضوع مهمی نیست.

در نهایت، با توجه به یافته‌های این تحقیق اگر مدیریت بتواند فرایندها و رفتارهای مناسبی را در یک سازمان ایجاد کند، کارآفرینان سازمان‌ها می‌توانند در محیط نسبتاً مناسبی فعالیت

کنند، و درعین حال با توجه به ماهیت تعهد سازمانی و تاثیر آن بر عملکرد کارکنان موجبات بهبود این نوع نگرش سازمانی را فراهم سازد.

عمده ترین محدودیت از لحاظ ابزار اندازه گیری متغیرهای مورد نظر، به ویژه کارآفرینی، بود. هر چند، برای اندازه گیری دو متغیر از آزمون های معروف و پرکاربرد استفاده شد، اما به دلیل عدم نرم یابی آن ها در جامعه ایرانی، در این موارد نیز با محدودیت هایی رو به رو بودیم. علاوه براین، برای اندازه گیری متغیر کارآفرینی نیز از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد، هر چند تلاش شد که ویژگی های روان سنجی آنان بررسی شود. البته، تاکید بر داده های جمع آوری شده از صرفاً اجرای پرسشنامه می تواند به عنوان محدودیتی دیگر در ارتباط با ابزار باشد. روشن است که استفاده از ابزار تکمیلی دیگر نظیر مصاحبه می تواند بر غنای اطلاعات بیافزاید.

همچنین، با توجه به این که در این مطالعه تنها متغیرهای کارآفرینی و تعهدسازمانی به عنوان عوامل محدودی از متغیرهای فردی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت. از این رو، وارد کردن متغیرهای دیگر به ویژه متغیرها و عوامل مرتبط با محیط کار ویژگی های شخصیتی و جنبه های مختلف، فضای سازمانی و سایر متغیرهای موقعیتی و نظایر این ها می توان در تبیین واریانس تعهد سازمانی با اطمینان بیشتری قضاوت کرد.

منابع فارسی

- احمدپور داریانی، م. (1378). کارآفرینی: ارزش مفهومی جدید در توسعه اقتصادی. توسعه مدیریت، شماره 6.
- بریس، ن، کمپ، ر. و سنلگار، ر. (1388). تحلیل داده های روانشناسی با برنامه SPSS. (ویرایش 3). ترجمه خدیجه علی آبادی و سیدعلی صمدی. تهران: دوران.
- صباغیان راد، ل. (1384). بررسی رابطه بین خلاقیت و تعهد سازمانی با تحلیل رفتگی در میان مدرسین واحد تربیت بدنی عمومی در دانشگاه های آزاد اسلامی. پایان نامه دکتری چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.
- مجیدی، ع. (1376). تأثیر جابه جایی بر تعهد سازمانی و رضایت شغلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی.

مشبکی، ا. (1376). رابطه تعهد و وجدان کاری با تحول اداری. نامه پژوهش. شماره 5. 173-193.

میرسپاسی، ن. (1365). مدیریت منابع انسانی (نگرشی نظام‌گرا). تهران: مؤلف.
 مقیمی، س. م. (1383). کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی. تهران: دانشگاه تهران.
 میرهاشمی، م. (1386). تدوین مدل روابط بین ادراک از عوامل محیط کار (نقش‌های شغلی، ویژگی‌های شغل، سبک نظارتی، و ساختار سازمانی) با سطح درگیری شغلی و تعهدسازمانی اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی. رساله دکتری چاپ نشده. دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

منابع انگلیسی

- Awamleh, Nail A. H. K. (1996). Organizational commitment of civil service managers in Jordan: A field study. **Journal of Management Development**, 15, 5, 65-74.
- Bhuiyan, S. N., & Islam, M. S. (1996). Continuance commitment and extrinsic job satisfaction among a novel multiculture expatriate work force, **Mid – Atlantic Journal of Business**, 32, 1, 35-46.
- Camp, Scott D. (1993). **Assessing the effects of organizational commitment and job satisfaction on turnover: An event history approach**. Presented at the meeting of the American Society of Criminology held in Phonex, Arizona, USA.
- Chuo, Shirley. (2003). **The relationship between organizational commitment and burnout**. Dissertation Abstract Ph. D. Alliant International University, Los Angeles.
- Colbert, A. E., & Kwon, L. G. (2000). **Factors related the organizational commitment of college and university auditors**. *Journal of Managerial Issues*, 12, 4, 484-501.
- Craiger, J. P. (1997). **Technology, organization, and work in 20th century**. *The Industrial-Organizational Psychologist*, 34, 89-96.
- Edwards, L. J. & Muir, E. J. (2005), **Promoting entrepreneurship at the University of Glamorgan through formal and informal**

- learning**, Journal of Small Business and Enterprise Development, 12, 4, 613-26.
- Freeman, S. J. & Cameron, K. S. (1993). **Organizational downsizing: A convergence and reorientation framework**. Organization Science, 4, 10-29.
- Katz, J.A. (2003). **The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education**, Journal of Business Venturing, 18, 2, 283-300.
- Kuratko, D. F. (2005). **The emergence of entrepreneurship education: development, trends and challenges**, Entrepreneurship, Theory and Practice, 577-97.
- Leiter, Michael, P., & Maslach, C. (1998). **The impact of interpersonal environment on burnout and organizational commitment**; Summary Journal of Organizational Behavior. 9, 4; 297-310.
- Mathieu, J. E., & Zajac, D. M. (1990). **A review and meta-analysis of the antecedents, correlates, and consequences of organizational commitment**, Psychological Bulletin, 108, 2, 171-94.
- McMullan, W. E. & Gillin, L. M. (2001). **Entrepreneurship education in the nineties, revisited**, in Brockhaus, R.H., Hills, G.E., Klandt, H. and Welch, H.P. (Eds), Entrepreneurship Education: A Global View, Ashgate Publishing, Aldershot.
- Meyer, J. P., & Allen, N. J. (1984). **Testing the side-bet theory of organizational commitment: Some methodological considerations**. Journal of Applied Psychology, 69, 372-8.
- Meyer, J. P., & Allen, N. J. (1997). **Commitment in he workplace**. Thousand Oaks, CA: SAGE Publications.
- Meyer, J. P., Allen, N. J., & Smith, C. A. (1993). **Commitment to organizations and occupations: Extension of a test of a three-component conceptualization**. Journal of Applied psychology, 78, 538-551.
- Minniti, M. & Bygrave, W. D. (2004). **Global Entrepreneurship Monitor**, Kansas City, MO: Kauffman Center for Entrepreneurial Leadership,

- Morrow, P. (1983). **Concept redundancy in organizational research: The case of work commitment.** *Academy of Management Review*, 8, 483-500.
- Mowday, R. T., (1998). **Human resource management review. reflection of study and relevance.** *Organizational Commitment*. 8 (4), 387- 401.
- Mowday, R. T., Porter, L. W., & Steers, R. M. (1982). **Employee-Organization linkage: the psychology of commitment, absenteeism, and turnover.** New York: Academic Press.
- Ones, D. S & Viswesvaran, C. (1998). **Looking ahead in I/O psychology (If we had a crystalball).** *The industrial-organizational Psychologist*, 35, 92-95.
- Parker, S. C. (2004). **The Economics of Self Employment and Entrepreneurship,** Cambridge: Cambridge University Press.
- Robinson, D., Porporino, F. J., & Simourd, L. (1992). **Staff commitment in the Correctional Service of Canada.** Ottawa: Research and Statistics Branch, Correctional Service of Canada.
- Sawry, L. K., & Syme P. D. (1996). **Organizational commitment and hospital pharmacists.** *Journal of Management Development*, 15, 1, 14-22.
- Schneider, B. (1985). **Organizational behavior.** *Annual Review of Psychology*, 36, 573-611.
- Sommer, S., Bae, M., & Luthens, F. (1996). **Organizational commitment across cultures: the impact of antecedents on Korean employees,** *Human Relations*, 49, 977-93.
- Steers, R. M. (1977). **Antecedents and outcomes of organizational commitment,** *Administrative Science Quarterly*, 22, 46-56.
- Tamosaitis, Walter L., (2006). **The relationship between employee performance ratings and the three components of organizational commitment for technical personnel in a project environment.** Dissertation Abstract Ph.D. The University of Alabama, Huritsville, USA.
- Tett, R. P., & Meyer, J. P. (1989). **Organizational commitment, job satisfaction, turnover intention, and turnover: A meta- analytic**

- review.** Unpublished manuscript, University of Western Ontario, London, Canada.
- Wennekers, S. & Thurik, R. (1999). **Linking entrepreneurship and economic growth.** Small Business Economics, 13, 27-55.
- Winter, R., & Sarros, J. (2002). **The Academic work environment in Australian universities: A motivating place to work?** Higher Education Research & Development, 21, 3, 241-243.